

معرفی نسخه خطی قصاب کاشانی و بررسی سبک شعری آن

الهام غلام‌کلیسانی، مهرداد چترایی*، مرتضی رشیدی

گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده علوم انسانی، واحد نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران.

شهریور ۱۴۰۱، دوره ۱۵، شماره پیاپی ۷۶، صفحات ۲۶۷-۲۸۸

DOI: ۱۰.۲۲۰۳۴/bahareadab.۲۰۲۲.۱۵.۶۴۳۵

نشریه علمی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی

(بهار ادب)

چکیده:

زمینه و هدف: یکی از بهترین مشخصه‌ها در معرفی پیشینه فرهنگ ملل گوناگون و اصالت آن نسخه‌های خطی است. نسخه‌های خطی بخشی از میراث فرهنگی و شناسنامه ادبی، تاریخی و فرهنگی یک ملت هستند؛ بنابراین معرفی و تصحیح آنها در واقع ارج نهادن به هویت ملی است. یکی از این نسخ، نسخه خطی دیوان قصاب کاشانی، شاعر شیعه‌مذهب عصر صفوی است که دیوانش با اسلوب سبک هندی مشتمل بر ۴۳۵ غزل، ۱۰ مسمط، ۴ قصیده، یک ترکیب‌بند و یک ترجیع‌بند است. هدف اصلی این پژوهش معرفی نسخه خطی قصاب کاشانی و ویژگی‌های سبکی و منحصر‌بفرد این شاعر توانا با موشکافی لایه‌های زبانی، بلاغی و فکری آن است.

روش مطالعه: این پژوهش بر مبنای مطالعات کتابخانه‌ای و به شیوه توصیفی-تحلیلی انجام شده است.

یافته‌ها: قصاب کاشانی با تسلط بر ادبیات عامیانه ایران به خلق ترکیبات بدیع پرداخته است. در این سروده‌ها انواع صنایع لفظی و معنوی با بسامد اسلوب معادله و ارسال‌المثل خودنمایی مینماید و در بمایه این متن مضامین غنایی و مذهبی شاخص است.

نتیجه‌گیری: سعید قصاب کاشانی با شاگردی در مظهر صائب تبریزی، دیوان اشعار خود را به سبک هندی سروده است. این اثر از حیث دربر داشتن غزلیات قوی و مسمط‌هایی که با تضمین از شاعران برجسته فارسی زبان سروده شده است، اثری قابل توجه است. زبان اشعار او ساده و روان است. لغات مهجور و ترکیبات عربی در دیوان او اندک است و تعبیرات و عبارات عامیانه زبان شعر او را به زبان مردم کوچه و بازار نزدیک کرده است. با تأمل در اشعار او میتوان دریافت آن اندازه ذوق و احساس دارد که میتواند با توجه به پدیده‌های طبیعت و محیط زندگی، معانی و مضامین بکر و زیبا را شکار کند و آنها را بر فتراک الفاظ و تعبیرات نو و بی‌همتا ببندد و خواننده را با شور و هیجان خاصی، هم‌کاب خویش سازد و بدینگونه هنر و شاهکار خود را بنمایش بگذارد. درعین حال ضعف او در گستره دایره لغات در پاره‌ای موارد او را دچار قافیه‌اندیشی کرده است، بطوریکه در میان اشعار او ابیاتی با عیوب قافیه نیز دیده میشود. علاوه بر این در دیوان اشعار او مطابق شعر بسیاری از شاعران سبک هندی نمونه‌های تکرار قافیه، تکرار مصراع و ابیات ذوق‌افیتین نیز بچشم میخورد.

تاریخ دریافت: ۰۱ تیر ۱۴۰۰
تاریخ داوری: ۰۴ مرداد ۱۴۰۰
تاریخ اصلاح: ۱۶ مرداد ۱۴۰۰
تاریخ پذیرش: ۰۳ مهر ۱۴۰۰

کلمات کلیدی:

نسخه خطی، قصاب کاشانی، دیوان، ترکیبات بدیع، سبک‌شناسی.

* نویسنده مسئول:

m_chatraei@yahoo.com

۴۲۲۹۲۹۲۹ (+۹۸ ۳۱)



ORIGINAL RESEARCH ARTICLE

Introduction The Ghassab Kashani's Manuscript and the Analysis of the its Poetic Style

E. Gholam Kelisani, M. Chatra'i, M. Rashidi

Department of Persian Language and Literature, Faculty of Humanities, Najafabad Branch, Islamic Azad University, Najafabad, Iran.

ARTICLE INFO

Article History:

Received: ۲۲ June ۲۰۲۱

Reviewed: ۲۶ July ۲۰۲۱

Revised: ۰۷ August ۲۰۲۱

Accepted: ۲۵ September ۲۰۲۱

KEYWORDS

Manuscript, GHassab Kashani, Divan, novel compositions, stylistics

*Corresponding Author

[✉ m_chatraei@yahoo.com](mailto:m_chatraei@yahoo.com)

[☎ \(+98 31\) 42292929](tel:+983142292929)

ABSTRACT




BACKGROUND AND OBJECTIVES: One of the best features in introducing the history of the culture of different nations and its originality is manuscripts. Manuscripts are part of a nation's cultural heritage and literary, historical and cultural identity; Therefore, introducing and correcting them is in fact honoring the national identity. One of these copies is the manuscript of the Divan of the ghassab Kashani, a Shiite poet of the Safavid era, whose Divan is composed in the Indian style of poems consisting of ۴۲۵ lyric poems, ۱۰ Musmamat, ۴ poems, ۱ composition and ۱ preposition. The main purpose of this research is to introduce the manuscript of ghassab Kashani, to highlight the stylistic and unique features of this powerful poet with meticulous meticulousness and its linguistic, rhetorical and intellectual layers. The main purpose of this research is to introduce the manuscript of Kashani butcher, to highlight the stylistic and unique features of this powerful poet with meticulous meticulousness and its linguistic, rhetorical and intellectual layers.

METHODOLOGY: This research is based on library studies and descriptive-analytical method.

FINDINGS: Ghassab Kashani is composed of ۴۲۵ lyric poems, ۱۰ mesmat, ۴ poems, ۱ composition and ۱ preposition. By mastering the popular literature of Iran, he has created innovative combinations and spiritual conduct; In these poems, all kinds of verbal and spiritual industries with the frequency of equation and sending style are shown, which in the basis of this text, lyrical and religious themes are prominent.

CONCLUSION: Saeed GHassab Kashani, with a student in the person of Saeb Tabrizi, composed his poetry collection in the Indian style. This work is a remarkable work in terms of containing strong lyric poems and verses that have been written with the guarantee of prominent Persian language poets. An examination of Kashani's butcher's court shows that the language of his poems is simple and fluent. Abandoned words and Arabic compounds are few in his divan And the slang expressions and expressions of the language of his poetry have brought him closer to the language of the people of the street and the bazaar And by meditating on his poems, it can be seen that the poet has so much taste and feeling that he can hunt pristine and beautiful meanings and themes with his piercing gaze on the phenomena of nature and living environment And to close them on the gap of new and unique words and interpretations, and to make the reader his pedestal with a certain passion and excitement And he displayed his art and masterpiece in such a way that he would not feel illiterate in any way. At the same time, his weakness in the range of vocabulary has in some cases rhymed him, so that among his poems there are verses with rhyming defects. In addition, in his poetry collection, according to the poetry of many Indian poets, there are examples of rhyme repetition, repetition of verse and tasteful verses.

DOI: ۱۰.۲۲۰۳۴/bahareadab.۲۰۲۲.۱۵.۶۴۳۵

| NUMBER OF REFERENCES | NUMBER OF TABLES | NUMBER OF FIGURES |
|---|--|--|
|  ۱۸ |  ۶ |  ۲ |

مقدمه

تصحیح نسخه‌های خطی یکی از شیوه‌های احیای آثار ادبی و افزودن بر غنای آثاری است که به رشته تحریر درآمده‌اند. بررسی محتوا و ساختار دستنوشته‌های فارسی می‌تواند کمک مؤثری به شناخت سبک هر دوره و عوامل تأثیرگذار بر آن و شناخت و ترویج دستاوردهای علمی، فکری و فرهنگی اعصار مختلف باشد. علاقه‌مندان این حوزه با جستجو در میان آثاری که پیش از این منتشر شده‌اند به دو شیوه به اصلاح این متون می‌پردازند. شیوه نخست بازخوانی دستنوشته‌های مورد استفاده در این تصحیحات و نقد متن منتشرشده بوسیله آنان و اصلاح آن است و شیوه دوم تصحیح مجدد به کمک دست‌نوشته‌های نویافته‌ای است که از درجه اعتبار بیشتری نسبت به دست‌نوشته مورد استفاده پیشین برخوردارند (تاریخ نسخه‌پردازی و تصحیح انتقادی نسخه‌های خطی، مایل هروی: ص ۴۳۴). یکی از آثار سروده‌شده در عصر صفوی که تاکنون بارها مورد تصحیح قرار گرفته است، دیوان قصاب کاشانی است که بخش عمده آن در تصحیحات پیشین شامل غزلیات و مسمطات است.

صدری (۱۳۸۵) در مقاله‌ای درمورد قصاب چنین می‌گوید: «قصاب کاشانی از سخنوران نامدار و پرآوازه در ورارود است که آوازه شهرت وی در حوزه تاریخ ادبیات در ایران طرفی ندارد. هرچه از این سخنور آشفته‌حال و لطیف‌طبع آگاه شده‌ایم از دیوان این شاعر است که پرتو بیضایی کاشانی، بر پایه یک نسخه خطی ملکی خویش، در حدود کمتر از دوهزار و پانصد بیت- در سال ۱۳۳۸ تصحیح و منتشر نمود. البته در مقدمه دیوان اشاره شده که با نسخه مضبوط در کتابخانه مجلس شورای اسلامی مقابله انجام گرفته که در حد یکی دو مورد بیشتر نیست. پیش از انتشار دیوان قصاب، ابیاتی بشکل تمثیل بر زبان مردم جاری بود که سراینده ابیات را نمیشناختند؛ همچنانکه در *امثال و حکم* دهخدا به دو سه بیت از سروده‌های سراینده برخورد نمودم که بدون ذکر نام سراینده ثبت گردیده است. در جلد مربوط به حرف (خ) در منبع مذکور بیت، معروفتر از معروف وی از غزل مشهورتر از مشهورش با مطلع:

تا کی به بزم شوق غمت جا کند کسی خون را به جای باده به مینا کند کسی
(قصاب کاشانی سخنوری پرآوازه و نامدار در
خطه وراورد، صدری: صص ۵۴-۵۵)

سابقه پژوهش

در زمینه دیوان قصاب کاشانی تاکنون مقاله‌ها و کتابهای فراوانی نوشته شده است که از جمله آنها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

نخستین چاپ دیوان قصاب کاشانی در سال ۱۳۳۸ است و مشخصات آن بدین قرار است: «دیوان قصاب کاشانی» با تصحیح و مقدمه حسین پرتو بیضایی (۱۳۳۸)، تهران: ابن‌سینا؛ همچنین تصحیحات بعدی عبارتند از: «دیوان قصاب کاشانی» با تصحیح و مقدمه محمد عباسی (۱۳۶۳)، «دیوان قصاب کاشانی» با تصحیح و مقدمه احمد کرمی (۱۳۷۹)، تهران: ما. «دیوان قصاب کاشانی» با تصحیح و مقدمه غلامحسین جواهری (وجدی)، (۱۳۶۲)، تهران: سنایی.

همچنین پایان‌نامه‌هایی از زهرا عباسی (۱۳۹۰) با عنوان «موسیقی شعر غزلیات قصاب کاشانی» در دانشگاه آزاد زاهدان؛ حمید رعیت‌زاده (۱۳۹۶) با عنوان «نقد و تحلیل غزلیات قصاب کاشانی» در دانشگاه یزد؛ و زینب باغبان-زاده آرانی (۱۳۹۶) با عنوان «بررسی اشارات و تلمیحات در دیوان قصاب کاشانی و مقایسه آن با دیوان شاطر عباس» در دانشگاه پیام‌نور آران و بیدگل، شعر این شاعر را مورد بررسی قرار داده‌اند.

و مقالاتی از باغبان‌زاده آرانی، عبداله‌زاده، و کسایی (۱۳۹۴) با عنوان «بررسی تلمیحات دیوان قصاب کاشانی با تأکید بر تلمیحات قرآنی و اساطیری»؛ و پهلوان‌حسینی و رعیت‌زاده (۱۳۹۸) با عنوان «انعکاس پیشه‌ها در شعر فارسی و تمرکز بر قصاب کاشانی» بنگارش درآمده‌اند.

بحث و بررسی

معرفی شاعر

سعید قصاب کاشانی شخصی بیسواد و درعین‌حال شاعر بوده است. حزین لاهیجی در تذکره/المعاصرین درمورد او می‌گوید: «با اینکه خط و سواد نداشت، هرگز در قوافی و استعمال لفظ بموقع غلط نکردی و سلیقه‌اش با عدم بضاعت از عهده ربط کلام و روانی سخن برآمدی، آنچنان که طاعت او فوق طاعت موزونان صاحب‌سواد بود...» (قصاب، به نقل از جواهری وجدی: ص ۴). او از شاعران قرن دوازدهم هجری خطه کاشان است (مشاهیر مدفون در حرم رضوی، جلالی: ص ص ۵۳). چنانکه در دیوانش آورده است:

قصاب آمده است ز کاشان به زیر خاک
سنگی که نرخ گوهر آمل شکسته است
(اساس: ۴۶)

او در جایی دیگر آورده است که «قصاب» لقب اوست و تخلصش «فدایی» است:

ز بس که هر دم به فدای او نمودم
لقبم شده است قصاب تخلصم فدایی
(مر: ۱۰۸)

سال تولد او در هیچیک از تذکره‌ها درج نشده است و از دیوان او نیز اطلاعاتی در این زمینه بدست نیامد. تخلص این شاعر برگرفته از پیشه اوست بطوریکه بارها در دیوانش به این مطلب و اصلاحات مربوط به این شغل اشاره کرده است که نمونه‌هایی از آن به قرار زیر است:

در آتش تنور جهانسوز کله‌پز
قلاّب آب و دیزی سیراب کرده یخ
(مش: ۱۲)
هر دل که بر او غمزه کند چشم به مژگان
قصاب بود هرچه زند بر سر قلاّب
(اساس: ۲۵)

مؤلف تذکره «صبح گلشن» آورده است که تخلص شاعر (قصاب) در دیوانی که از او در اختیار داشته «قصاب‌باف» معنی شده است که با توجه به شواهد بدست‌آمده از دیوان او، قولی خلاف بنظر میرسد (تذکره صبح گلشن، بهوپالی: ص ۳۳۱). در تذکره حزین لاهیجی در وصف قصاب کاشانی آمده است: «سعید قصاب- شعر بسیاری از مردم حفظ داشت و به مجلس شعرا رفته، در گفتن غزلها با ایشان موافقت کردی، مکرر شعر خود را در خدمت مرحوم میرزا صائبا خوانده و با آنکه خط و سواد نداشت، دیوان اشعارش بیست هزار بیت باشد. هرگز در قوافی و استعمال لفظ به موقع خود، غلط نکردی و سلیقه‌اش با عدم بضاعت، از عهده ربط کلام و روانی سخن برآمدی. در مراتب دیگر خود فوق طاعت موزونان صاحب‌سواد است. ابیات خوب که آن را با کلام شاعر، چندان فرقی نباشد، دارد» (تذکره حزین، حزین لاهیجی: ص ۱۲۰).

شاگردی قصاب کاشانی در محضر صائب این ظن را تقویت میکند که قصاب کاشانی به اصفهان سفر کرده است. هرچند صائب نیز به اصفهان مسافرت‌هایی داشته است (مقدمه دیوان قصاب کاشانی، پرتو بیضایی).
بظاهر قصاب کاشانی در شهر خود از ظلم و جور ظالمان و روزگار بتنگ آمده و بهمین خاطر قصد ترک وطن کرده است. او در بیتی آورده است:

عاقبت قصاب ظلم خصم و جور روزگار از وطن برکنده بنیادت ببین احوال چیست
(همان: ۳۶)
چنانکه از منابع برمی آید، قصاب کاشانی در اواخر عمر پیشه خود را رها کرده و به مشهد رفته است و تا پایان عمر
آنجا مانده و در همانجا دفن شده است (همان: ز). حسن عاطفی در مقدمه‌ای که بر دیوان مخلص کاشانی نوشته
است، ابیاتی از بیاضی متعلق به قرن سیزدهم نقل کرده که گواه این مطلب است:

السلام ای بارگاہت کعبه جان آمده آستانت بوسه‌گاه اهل ایمان آمده
...در کنار خوان فیض آثار عالمگیر تو دردمند بیدل و جانی به مهمان آمده
میتوانی کرد این بیچاره را روشن چراغ تیره‌بخت طرفه‌ای بیرون ز کاشان آمده
(دیوان مخلص کاشانی، عاطفی: ص ۳۷)

اما صاحب تذکره «صبح گلشن» معتقد است قصاب کاشانی در کاشان در گذشته است (تذکره صبح گلشن، بهوپالی:
ص ۳۳۱). از دوران زندگی قصاب کاشانی اطلاع چندانی در دست نیست و اغلب تذکره‌نویسان سال درگذشت او را
پیش از ۱۱۶۵ هـ ق یعنی چند سالی پیش از نگارش تذکره حزین درج کرده‌اند (مقدمه دیوان قصاب کاشانی، پرتو
بیضایی).

معرفی اثر

الف- نسخه کتابخانه نور عثمانیه ترکیه (اساس): نسخه‌ای است که نگارنده در تصحیح دیوان قصاب کاشانی
اساس قرار داده است. این نسخه شامل ۱۰۴ برگ، به شماره ثبت در ۳۸۶۷ در کتابخانه نور عثمانیه شهر استانبول
ترکیه ثبت رسیده است. صفحات دست‌نوشته جدول‌مند و طلاکوب است. تاریخ کتابت این نسخه در پایان آن
سال ۱۱۴۲ هـ ق درج شده است. نام کاتب در ابتدا یا انتهای آن نیامده است و نسخه به دستور احمد آقا باشباق
قول آغاسی و در دارالسلطنه تبریز تحریر شده است. در آغاز دست‌نوشته تصویر دو مهر دیده میشود که بدرستی
خوانده نمیشود. روشن نیست که صاحب مهر، کاتب نسخه بوده است یا مالک آن یا... . همچنین عبارتی پیش از
آغاز دست‌نوشته آمده است که متضمن وقف این نسخه به نام «ابوالنجیب عثمان خان» است و این عبارت چنین
است:

«هذا وقف ظل الله المحمص و النور اللامع المشخص السلطان ابن السلطان السلطان ابوالنجیب عثمان خان ابن
السلطان مصطفى خان وفقه الله في حل رموز الانام و جعل الطاقه سائره على العباد و بالسلام و انا الداعي لدولته
الحاج ابراهيم حنيف المفتش باوقاف الحرمين الشريفين عُفِرله»
آغاز:

الهی بهر حمدت قوتی بخشا زبانم را ز آب این گهر لبریز کن درج دهانم را
انجام:

«تمت الديوان بعون الملك المستعان به تاریخ شانزدهم شب یکشنبه شهر رجب المرجب فی سنه ۱۱۴۲ حسب
الفرموده عالی قدر و المقدار احمد آقای باش باق قولر آغاسی در دارالسلطنه تبریز گلریز. تمت بالخیر»
این نسخه با توجه به تاریخ کتابت آن - که از نسخه‌های دیگر قدیمتر است - و جامعتر بودن بعنوان نسخه اساس
در نظر گرفته شد و در متن و پاورقیها از آن بعنوان نسخه «اساس» نام برده شده است. در اینجا بطور اختصار به
معرفی نسخه‌های دیگر پرداخته میشود:

ب- **نسخه کتابخانه تاجیکستان (تا):** این نسخه شامل ۱۰۶ برگ و به شماره ۵۵۳ در انستیتو دستنویسهای شرقی فرهنگستان علوم تاجیکستان در شهر دوشنبه ثبت شده است. کاتب در مناجاتی که بابت سرآغاز کتابت نوشته تاریخ کتابت را آورده است: «به تاریخ نهم ماه شریف رمضان سنه ۱۲۸۵». و فاقد نام کاتب است. این نسخه با حدود ۲۴۵۲ بیت میباید. هر صفحه شامل ۱۳-۱۰ بیت است. این دستنویسه به غزلی با ردیف مختوم به «الف» آغاز شده است و به مسمطی مختوم به بند «دلدار همین کار همین بار همین است» ختم شده است. همچنین دو بیت در پایان این دستنویسه پس از پایان مسمط آمده است که بنظر میرسد کاتب آن را نوشته است. این ابیات چنین است:

روزی که نه شادی و نه شیون ماند نه دست، قلم، نه جان و نه تن ماند

بر خاطر دوستان دهد یاد مرا خطی که به یادگاری از من ماند

مطابقت رکابه‌ها در این دستنویسه نشان میدهد این دستنویسه فاقد افتادگی است. از این نسخه به همراه چهار نسخه دیگر، بعنوان نسخه بدل در مقابله استفاده شد. در متن و پاورقیها با عنوان نسخه «تا» نام برده میشود.

ج- **نسخه کتابخانه مرعشی (مر):** این دستنویسه به شماره ثبت ۱۵۰۰۶ کتابخانه آیت‌الله مرعشی ثبت رسیده است و در ۱۱۲ برگ بر کاغذ فرنگی کتابت شده است. هر صفحه این نسخه شامل ۱۳ تا ۱۴ بیت است. متن با مرکب سیاه نوشته شده است و ابعاد هر صفحه ۲۲×۱۸ سانتی‌متر است. این نسخه فاقد نام کاتب و تاریخ کتابت است. اطراف ابیات شامل حاشیه‌نویسیهایی است که اغلب با متن اصلی بی‌ارتباط است و بعدها توسط مالکین نسخه به آن افزوده شده است. این نسخه در بسیاری از صفحات آسیب‌دیدگیهایی چون پارگی صفحات، پخش مرکب، آب‌خوردگی و موربانه‌خوردگی است. این دستنویسه ناقص‌الاول و ناقص‌الآخر است. ابیات با ردیف الف آغاز شده و به ردیف «ی» ختم میشود. مطابقت رکابه‌ها نشان میدهد این دستنویسه پس از برگهای ۳، ۱۱۲ و واجد افتادگی است. از این نسخه در مقابله بعنوان نسخه بدل استفاده شد. و در متن و پاورقیها با عنوان نسخه «مر» است.

د- **نسخه آستان قدس رضوی (آ):** این نسخه که به شماره ثبت ۴۷۳۲ در کتابخانه آستان قدس رضوی ثبت رسیده است، در ۱۱۳ برگ کتابت شده است و در هر صفحه شامل ۱۲-۱۰ بیت است. جلد نسخه تیماجی و با کاغذ نخودی با خط نسخه نستعلیق شکسته است. صفحات این دستنویسه با مرکب سیاه تحریر شده است. نسخه فاقد نام کاتب و تاریخ کتابت است. ۱۱۶ برگ دارد و در آغاز و پایان افتادگی دارد. این دستنویسه با غزلی با ردیف مختوم به «ت» آغاز شده و با مسمطی ناقص مختوم به بند «فریاد که گوش تو گران است در این باغ» پایان یافته است. مطابقت رکابه‌ها نشان میدهد در متن دستنویسه افتادگی وجود ندارد. از این نسخه در مقابله بعنوان نسخه بدل استفاده شد و در متن و پاورقیها از آن بعنوان نسخه «مش» نام برده شده است.

ه- **نسخه کتابخانه مجلس (مج ۱):** این نسخه که به شماره ثبت ۱۱۸۵/۳ در کتابخانه مجلس شورای اسلامی ثبت شده، به خط نستعلیق در ۲۴۱ برگ نوشته شده است و جزئی از یک مجموعه است که دیوان مجذوب تبریزی، دیوان صفی، دیوان قصاب کاشانی، دیوان تجلی و دیوان تنها را دربر میگیرد. در برگ نخست این دستنویسه تصویر دو مهر دیده میشود که عبارت سلطان علی‌خان بر آن نقش بسته است. دیوان قصاب کاشانی در فاصله برگهای ۱۵۸-۱۸۱ این نسخه درج شده است و شامل حدود ۸۰۰ بیت است. ابعاد صفحات $۲۷ \times ۱۴/۵$ سانتی‌متر و هر صفحه شامل ۱۷-۱۸ بیت است. کاتب نسخه فردی به نام درویش مولانا محبت است. نسخه از آغاز تا پایان با

خطی یکسان نوشته شده است. این دستنوشته فاقد تاریخ کتابت است و مطابق تشخیص کارشناسان کتابخانه مجلس میبایست متعلق به اواخر قرن یازدهم یا اوایل قرن دوازدهم هجری قمری باشد. جلد نسخه، تیماجی نیم‌ضربی، کاغذ آن کشمیری و به قطع وزیری است. تمام متن این دست‌نوشته با مرکب سیاه کتابت شده است. این نسخه ردیف «الف-د» غزلها را دربر میگیرد. از این نسخه در مقابله بعنوان نسخه بدل استفاده شد و در متن و پاورقیها با عنوان نسخه «مج ۱» است.

و- نسخه کتابخانه مجلس (مج ۲): این دست‌نوشته به شماره ثبت ۸۱۷۳/۱۵۰ در کتابخانه مجلس ایران ثبت رسیده است. این نسخه جزئی از یک مجموعه است که صفحات ۵۶۸-۵۶۹ آن دربردارنده سه غزل از دیوان قصاب کاشانی است. خط نسخه نستعلیق است. نام کاتب و تاریخ کتابت درج نشده است. متن با مرکب سیاه نوشته شده است. بخشی از غزل نخست در متن و ادامه آن در حاشیه آمده است. غزل دوم بصورت کامل در حاشیه نوشته شده است و ابیات آغازین غزل سوم در حاشیه و ادامه آن در صفحه بعد در متن نوشته شده است. از این نسخه در مقابله بعنوان نسخه بدل استفاده شد و در متن و پاورقیها از آن بعنوان نسخه «مج ۲» نام برده شده است. بررسی متن نشان میدهد دست‌نوشته «مج ۲» تنها شامل غزلهای ۳۹۱، ۴۲۴ و ۱۷۳ دیوان قصاب کاشانی است. ز- نسخه کتابخانه مجلس (مج ۳): این دست‌نوشته به شماره ۱۸۹۷۳/۲ در کتابخانه مجلس شورای اسلامی ثبت شده و به خط نستعلیق هندی در ۴۹ برگ، ابعاد صفحات ۲۷×۱۴/۵ سانتی‌متر و هر صفحه شامل ۱۷-۱۵ بیت کتابت شده است. این نسخه با دیوان صفی‌قلی بیگ چرخکس صحافی شده است. در برگ نخست این دست‌نوشته تصویر دو مهر دیده میشود که عبارت عبده رضاقلی بر آن نقش بسته است. نسخه فاقد نام کاتب و تاریخ کتابت است. در بعضی صفحات حاشیه‌نویسی دارد. این نسخه در بسیاری از صفحات آسیب‌دیدگیهایی چون پارگی صفحات و آب‌خوردگی دارد. همچنین اندکی رطوبت دیده و برخی از صفحات وصالی شده است. این دست‌نوشته ناقص‌الآخر است و تمام متن آن با مرکب سیاه کتابت شده است. از این نسخه در مقابله بعنوان نسخه بدل استفاده شد و در متن و پاورقیها با عنوان نسخه «مج ۳» است.

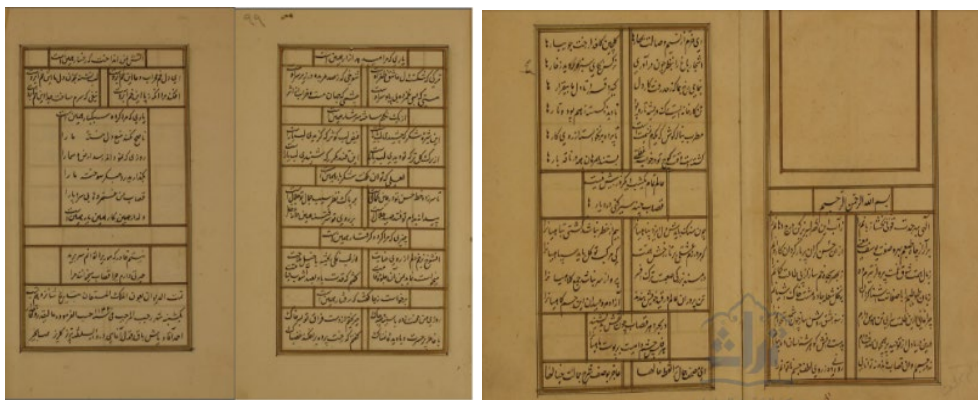
بررسی و تحلیل

دیوان قصاب کاشانی شامل ۴۳۵ غزل، ۱۰ مسمط، ۴ قصیده، ۱ ترکیب‌بند و ۱ ترجیع‌بند است. در تذکره صبح گلشن گفته شده است که «کلیاتش که در سنه یک هزار و یکصد و هفتاد شش داخل کتبخانه احمدشاه پادشاه دهلی شده، این وقت موجود است. همگی ابیاتش قریب هزار و پانصد معدود است» (تذکره صبح گلشن، بهوپالی: ص ۳۳۱). حزین لاهیجی تعداد ابیات دیوان قصاب کاشانی را بیست هزار بیت نقل کرده است (تذکره حزین: ص ۱۲۰). تعداد اشعار این دیوان در نسخه‌ای که در کتابخانه احمدشاه در دهلی موجود بوده قریب به ۳۵۰۰ بیت ذکر شده است (مقدمه دیوان قصاب کاشانی، پرتو بیضایی). دیوان قصاب کاشانی شامل اشعاری در مضامین متنوع چون مدح، نقد، عرفان، عشق و مذهب است که با تشبیهات فراوان آراسته شده است. این تشبیهات اغلب محسوس به محسوس و ابزاری برای تلطیف مضامین و نمایان ساختن مهارت شاعرند. قصاب کاشانی مانند بسیاری از شاعران دیوان خود را با حمد و سپاس خداوند آغاز میکند:

الهی بهر حمدت قوتی بخشا زبانه را ز آب این گهر لبریز کن درج دهانم را (اساس: ۱)

او همچنین در غزل ۳۸۶ بار دیگر به مناجات با خداوند میپردازد:

الهی روز حشرم ز آفتاب ایزد پناهی ده ز آب عفو خویش شستشو از روسیاهی ده



تصویر (۱-۲) برگ پایانی دست‌نوشته کتابخانه نور عثمانیه

تصویر (۱-۱) برگ نخست دست‌نوشته کتابخانه نور عثمانیه

دیوان قصاب کاشانی ضمن تأثیرپذیری از شعر شاعران متقدم، شامل نکات قابل توجهی است که این اثر را از دیگر آثار هم‌طراز و هم‌عصرش متمایز میکند. مطالعه آثار دیگر شعرا بوسیله قصاب کاشانی از سویی باعث ایجاد برخی مشابهتها در تصاویر و مضامین در این اثر شده و از طرف دیگر بر پختگی متن از لحاظ شیوه سرایش و مضمون‌پردازی افزوده است. اگرچه قصاب کاشانی در برخی موارد در بکارگیری واژه‌ها و یا اعمال قوانین عروضی در دیوان خود دچار اشتباه شده، ویژگیهایی چون تصویرپردازیهای دقیق، کاربرد خصوصیات سبکی کهن با زبانی جدید، کثرت صفت‌سازی، کاربرد تعابیر عامیانه، رسوم اجتماعی و مضامین مذهبی و تاریخی منجر به تقویت سطح اشعار او از لحاظ فنی، در میان آثار سبک‌های هندی شده است و تا اندازه‌ای شعر وی را همپایه شعر بزرگانی چون صائب ساخته است. در ادامه مهمترین ویژگیهای سبک‌شناسانه این دیوان در سه سطح زبانی، فکری و ادبی مورد بررسی قرار میگیرد.

ویژگیهای زبانی

قصاب کاشانی یکی از شاعرانی است که با شاگردی در محضر شاعر نامی معاصر خود، صائب، تلاش کرده است با آمیختن تجربیات علم‌آموزی در مظهر بزرگان، با زبان نوینی که تحت تأثیر اوضاع فرهنگی، اجتماعی و سیاسی حاکم بر جامعه زمانش بدست آورده است، رویکردی نوین در تصویرسازی و شعرگویی داشته باشد. تمرکز قصاب کاشانی برای اثبات برتری خود از دیگر شاعرانی که همزمان با او در شعر فارسی قلم‌فرسایی کرده‌اند در طولانی کردن توصیفات است نه کاربرد لغات و کلماتی که دور از ذهن و مهجور یا کهن باشد؛ چنانکه نمونه‌های اینگونه واژه‌ها در دیوان قصاب کاشانی انگشت‌شمار است، مثال:

این چه چشم است که از جنبش هر طوفانش موج برداشت فلک همچو غراب از دریا (اس: ۱۶)

بستی فگار بر کف پا باز روی من بگرفته است ناز تو رنگ پریده را (مر: ۶)

کمرنگ بودن بنمایه‌های دینی و عرفانی نسبت به مضامین عاشقانه، که بدلیل استفاده از ابزاری عده‌ای فرصت طلب از تصوف برای دستیابی به قدرت در دوره صفویه رخ داده است، موجب کاهش کاربرد واژه‌های عربی و جملات تحسین و شگفتی عربی در دیوان قصاب کاشانی شده است. نمونه‌هایی از کاربرد این عبارات به قرار زیر است:

شکرلله که نیم چون دگران گرسنه چشم خوان انعام غمت کرده مرا سیر بس است
(مش: ۱)
پس از مردن گناری اوفتد گر بر سر خاکم نوای های‌های الفراقم از کفن بشنو
(اس: ۱۶۱)

وجود اشعاری در حمد و سپاس الهی و مدح بزرگان دینی در دیوان او نشان‌دهنده توانایی در منقبت‌سرایی و مرثیه‌سرایی است. قصاب کاشانی با کاربرد ردیفهای طولانی و ابیات ذوقافیتین نه تنها بر بار تأکید واژه‌ها و خیال‌انگیز بودن ابیات افزوده است، بلکه سطح اشعار خود را از لحاظ ویژگیهای فنی تقویت کرده است. از دیرباز شاعران سبک هندی برای قدرت‌نمایی سراغ ردیفهای بلند و سخت میرفتند تا تحسین مخاطبانشان را برانگیزند و از سویی دیگر چون بکارگیری ردیفهای دشوار، که اغلب تازگی هم دارند، باعث خلق مضامین نو میشد، شاعر سبک هندی را گه‌گاه ملزم به استفاده از این نوع ردیفها میکرد.

اگرچه قصاب کاشانی در برخی مضمون‌پردازیه‌ها و تصویرسازیها به شاعران پیشین اقتدا کرده، میزان تصویرسازیهای نوین او چنان زیاد است که او را از اتهام تقلید کورکورانه مبرا میکند:

میکشد صیاد بر رویش نقاب از بوی گل گر نهد بی رخصت ما بلبلی پا در قفس (مر: ۳۳)

چون ز خویش آگه توانم گشت کز بخت سیاه تار سازد خانه آینه را تمثال من (اس: ۱۵۴)

سطح آوایی: سطح آوایی شامل موسیقی بیرونی، کناری و موسیقی درونی است.

موسیقی بیرونی: شامل قافیه و ردیف و وزن میشود. «نظامهای آوایی در صناعات بدیعی که غالباً گزینشی موسیقایی از لایه‌های آوایی زبان هستند، حاصل انگیزه و حساسیتهای فردی شاعر در شکل دادن به سبک محسوب میشوند» (سبک‌شناسی، فتوحی: ص ۲۴۸).

قصاب ۴۳۵ غزل در ۱۰ وزن دارد و بیشترین بسامد اوزان غزلیات وی به ۱۶۱ مورد در بحر رمل متعلق است و کمترین آن مربوط به بحر سریع، متقارب و مقتضب است که فقط دو بار از آنها استفاده شده است.

جدول شماره ۱- بحرهای بکاررفته در دیوان غزل قصاب کاشانی (بدون زحافات)

| نام بحر | رمل | هزج | مضارع | مجتث | رجز | خفیف | سریع | مقارب | مقضب | مجموع |
|---------|-----|------|-------|------|-----|------|------|-------|------|-------|
| بسامد | ۱۶۱ | ۱۳۳ | ۸۴ | ۴۱ | ۷ | ۳ | ۲ | ۲ | ۲ | ۴۳۵ |
| درصد | ۳۷ | ۳۰/۵ | ۱۹/۳ | ۹/۴ | ۱/۶ | ۰/۷ | ۰/۵ | ۰/۵ | ۰/۵ | ۱۰۰ |

قافیه: یکی از ضروریات در ایجاد موسیقی کناری شعر، قافیه است. وجود قافیه عامل گوشنوازی و اثرگذاری بیشتر در مخاطب است. با آنکه اوزان انتخاب شده برای سرودن غزل با مضامین موردنظر قصاب متناسب است، ضعف او در گسترده نبودن دایره لغات در پاره‌ای موارد وی را دچار قافیه‌اندیشی کرده و باعث پیدا شدن مصراعها و ابیاتی شده که در آنها عیوب قافیه، ذوقافیتین و قوافی مکرر بچشم میخورد:

شاعر در ساخت قافیه‌های بی‌عیب و مناسب تواناست، ولی در مواردی اندک عیوب قافیه در ابیاتی ملاحظه میشود که بیشترین میزان آن متعلق به عیب اکفا است.

اکفا: اختلاف حرف روی

توان دیدن ز روی پیرهن اصل صفایش را نسیمی وا کند چون غنچه گر بندد نقابش را
(تا: ۱۱)

سناد: اختلاف ردف اصلی و ردف زاید

گرم روزی ما خالی نگرداند ز روی سفره بیچارگان نان قناعت را
در این مهمان‌سرا جا در سر خان توکل کن اگر قصاب داری طاق‌شان قناعت را (مر: ۲)

ایطای خفی: قرار گرفتن اساس قافیه بر پسوندهای یکسان

آه دردآلود مطرب ساغر از خون پر شراب عشرتی داریم ما و دیده شبها در قفس
هر شکاف سینه از تیر تو بر دل زور نیست طوطی ما دارد از صد ره تماشا در قفس
دل ز داغ رنگ گلشن در درون سینه ریخت عندلیب ما به بار آورده گلها در قفس
(همان: ۳۳)

اقوا: اختلاف حرکت حذف یا توجیه:

تن زینت‌پرستان آگه از هستی نمیگردد سفالین کوزه زرد جام جم نمیگردد

ز اسباب جهان بگذر که در عیسی است معجزها به بند سوزنی تا هست صاحب‌نام نمیگردد
(همان: ۸۴)

(۸۴)

ذوقافیتین: یکی از ویژگیهای سبکی دوره تیموریان و آغاز صفویان ظاهر شدن ذوقافیتین است که در این منظومه هرچند اندک یافت میشود و شاعر دو واژه آخر مصرعهای یک بیت را قافیه قرار میدهد؛ باوجوداین شاعر در سرودن اشعار ذوقافیتین دچار مشکل شده است؛ بطوریکه در غزل زیر تلاش وی برای سرودن غزلی ذوقافیتین با مکرر شدن قوافی نافرجام مانده است:

به عشق تو سر گر نبازم چه سازم به داغ غمت گر نسازم چه سازم
دل و دین و هستی شده سدّ راهم گر این هر سه یک سر نبازم چه سازم
(همان: ۱۳۵)

(۱۳۵)

قوافی تکراری: یکی از ویژگیهای سبک هندی تکرار قافیه است که غزلهای طولانی و کوتاه دیده میشود. شمیسا معتقد است «علت آن است که شاعر سبک هندی تک‌بیت‌گوست یعنی قالب حقیقی مفردات است، منتها شاعر این ابیات مستقل را بوسیله رسته قافیه و ردیف به هم گره زده است» (سبک‌شناسی شعر، شمیسا: ص ۲۹۹). چنانکه در غزل ۳۸ دیوان قصاب کاشانی مبینیم واژه «جای» در دو بیت قافیه قرار گرفته است:

دست تواش به گردن شد آشنا عجب نیست خالی اگر نمایم در دیده جای مینا

...در پاس عزت امشب تا کرده است زانو در مجلس تو باشد تا باز جای مینا (همان: ۱۹)

ردیف: از فرعیات موسیقی کناری است که شاعر به باری وجود افعال ربطی و وسعت جایگزینی کلمات در زبان فارسی میتواند با این شیوه بر موسیقی شعر بیفزاید. «ردیف یکی از ویژگیهای شعر پارسی است که در ادب هیچ زبانی تا آنجا که آگاهی داریم به وسعت شعر پارسی نیست» (صور خیال در شعر فارسی، شفیع کدکنی: ص ۲۲۱). از دیرباز شاعران سبک هندی برای قدرت‌نمایی به سراغ ردیفهای بلند و سخت میرفتند تا تحسین مخاطبانشان را برانگیزند. «ردیف را باید یکی از نعمتهای بزرگ شعر فارسی دانست، زیرا از جهات موسیقی و معانی و کمک به تداعیهای شاعر و از نظر ترکیبات و مجازهای بدیع در زبان به شعر زیبایی و اهمیت میبخشد» (موسیقی شعر، شفیع کدکنی: صص ۱۳۸-۱۴۲). قصاب در دیوان خود از ردیفهای ساده و بیتکلف استفاده کرده و از آن بعنوان بعد موسیقایی اشعار خود بهره برده است. از مجموع ۴۳۵ غزل، ۴۱۱ غزل دارای ردیف و ۲۴ غزل بدون ردیف هستند، یعنی ۵.۵ درصد بدون ردیف هستند.

| ردیف | نوع ردیف | پسامد | درصد |
|------|------------|-------|------|
| ۱ | فعلی | ۱۳۳ | ۳۲.۳ |
| ۲ | اسمی | ۷۱ | ۱۷.۲ |
| ۳ | ضمیری | ۱۶ | ۴ |
| ۴ | حرفی | ۱۳ | ۳.۲ |
| ۵ | قیدی | ۱۶ | ۴ |
| ۶ | ترکیبی | ۶۱ | ۱۴.۸ |
| ۷ | جمله‌ای | ۱۰۱ | ۲۴.۵ |
| ۸ | مجموع ردیف | ۴۱۱ | ۹۴.۵ |

عشق آن روزی که با دلها نمک را تازه کرد شورش دیوانه صبرا نمک را تازه کرد (همان: ۷۷)

موسیقی درونی: آهنگین بودن کلام تنها به موسیقی بیرونی و کناری شعر مربوط نمیشود، بلکه هر آنچه را که موجب ایجاد توازن و تناسب در شعر شود، شامل میشود. در غزلیات قصاب انواع جناس بندرت وجود دارد و میتوان گفت در بین ۱۰۰ غزل بررسی شده، از بین جناسها، جناس خطی، لاحق، متوج، مذیل، اشتقاق و زاید دیده میشود. خطی: تباهیان و پناهیان (اس: ۳). لاحق: سینه و کینه (اس: ۲۳). متوج: خدا و ناخدا (اس: ۶۵). مزیل: سر و سریر (اس: ۴۱). اشتقاق: صید و صیاد (مر: ۲۵). زاید: خال و خیال (اس: ۴).

سطح لغوی

کاربرد لغات و تعبیرات عامیانه: زبان فارسی از قرن هشتم و نهم در متون ادبی به سادگی هرچه بیشتر متمایل شد. سادگی زبان در این دوره را نیز باید دنباله‌ای از این جریان دانست. «از سویی بدلیل رواج شعر و شاعری در بین طبقه متوسط جامعه، این سادگی طبیعی با واژگان و ترکیبات عامیانه نیز آمیخته گردید و به زبان شعر راه یافت. بهمین دلیل در شعر سبک هندی با فهرستی از کلمات و ترکیبات تازه‌ای روبرو هستیم که تا پیش از این اجازه ورود به شعر را نداشتند و غیرشاعرانه بشمار می‌آمدند» (بازشناسی ویژگیهای سبک هندی، خسروی: ص ۹۴).

به قربان سرت کردم: دور سرت بگردم، قربانت شوم
اگر خواهی بدانی مو به مو جمعیت دلها
به قربان سرت کردم پریشان ساز کاکل را (مر: ۱۳)

هی: اسم صوت به معنی افسوس
رخ نمودی عاشقم کردی گذشتی یار هی
مردم از داغ جدایی رحمی ای دلدار هی (اساس:
۱۷۰)

جا کردن: فرورفتن
خنجر فولاد یا الماس یا نظاره است جا کرده مژگان است یا تیر قضاست این به دل
(همان: ۵۱)

کاربرد واژه‌های فریبکار در معانی کهن: این عنوان «به واژه‌هایی گفته میشود که در صورت یکسانند، اما معنای مختلفی در هر زبان یا گویشهای متفاوت متعلق به یک زبان و با حتی در دو گونه جدید و قدیم یک زبان یا گویش دارند» (واژه‌های فریبکار در فارسی خاورانی، منصوری: ص ۱۹).

دیدار: چهره
آن کس که شبی دیده به دیدار ندارد راهی به سراپرده اسرار ندارد
(همان: ۲۴)

کلفت: در رنج و سختی بودن
بار غبار کلفتم از روی دل بشوی این لوح را چو صفحه آینه ساده کن
(همان: ۱۵۱)

رنگ: شیوه
کند هر دم به رنگی یاد یار از گریه مشغولم مرا دارد غم او همچو طفلان در کنار امشب
(همان: ۲۴)

سطح نحوی

نحوه کاربرد افعال و نشانه‌ها در دیوان قصاب کاشانی در پاره‌ای موارد متأثر از سبک خراسانی است؛ بطوریکه نمونه‌های کاربرد حروف در معانی متفاوت در این دیوان دیده میشود. بارزترین ویژگیهای نحوی در دیوان قصاب کاشانی استفاده فراوان از پیشوند برای ساخت صفت و نیز حرف اضافه برای ساخت قید است. در پاره‌ای موارد کاربرد قید بصورت کهن نیز مشاهده میشود.

کاربرد انواع را: «را» در گذشته علاوه بر آنکه نشانه مفعول صریح بوده، در معانی فک اضافه و حروف اضافه و یا معادل آن نیز استفاده شده است. «را» در دیوان قصاب کاشانی اغلب در معنی حروف اضافه بکار رفته است. کاربرد «تا» به معنی «که»:

استخوانم توتیا گردید از پامال دهر کو نسیمی تا چو گرد از جای بردارد مرا
(همان: ۱۸)

کاربرد «کجا» در معنی «کی»:
ز هم بگشای لب از لطف حرفی گوی بر عاشق کجا هرکس شناسد نرخ گوهرهای غلتان را (تا: ۹)

کاربرد انواع صفت:

صفت + اسم:

خشک‌مغزان ز الفت دریادلان رسوا شوند / میشود رویش سیه چون اوفتد اخگر در آب (مر: ۲۷)

اسم + بن مضارع:

دمی که ابر نگاهم سرشک‌بار نشد / چو رشته راه به عقد گهر نبود مرا (همان: ۲۳)

صفت/اسم + ناک:

خویشتن را ما که در دریا شناور دیده‌ایم / دیده‌ غمدیده گر نمناک گردد گو بگرد (همان: ۱۱۲)

اسم + آسا:

سر از نخل امیدم بر خلاف مدعا روید / چنار آسا گر از پا تا سرم دست دعا روید
(اساس: ۷۸)

کاربرد اسم به جای صفت:

ای دل بیهده‌گفتار ادب باش ادب / از زبان میکشی آزار ادب باش ادب (همان: ۲۳)

کاربرد فعل: میزان کاربرد افعال نیشابوری، استفاده از «همی» در ساخت ماضی استمراری، کاربرد افعال کهن، پیشوندی و دعایی در این منظومه بدلیل پیروی از سبک بازگشت ادبی بسیار بالاست. در بسیاری از موارد میان اجزای فعل فاصله افتاده و فعل امر بدون «ب» یا با «می» بکار رفته است. همچنین کاربرد فعل در وجه مصدری، فعل مضارع التزامی بدون «ب»، افعال در معانی خاص یا صورتهای کهن و

رقص ضمیر:

کی توانم که به دامان زنمش دست وصال / من که رو سوی کسی دارم و او سوی کسی
(مر:)

سطح ادبی

دیوان قصاب کاشانی با وجود سادگی بیان، مملو از آرایه‌های ادبی است؛ بطوریکه بجزرت میتوان گفت کمتر بیتی است که خالی از آرایه‌های ادبی باشد. چنانکه طالب آملی در اینباره میگوید:

سخن که نیست در او استعاره، نیست ملاحظت / نمک ندارد شعری که استعاره ندارد
(دیوان طالب آملی: ص ۴۴۷)

بهمین دلیل در شعر این دوره با تشبیهات، استعارات، ترکیبهای تشبیهی و استعاری و... روبرو میشویم که پیش از این در ادب فارسی تا حدودی سابقه داشته‌اند و بسیاری از آنان بدلیل تازگی بسیار دیرپاب بنظر میرسند. شپهر قصاب سرشار از زیباییهای علم بلاغت و صنایع بدیعی است و انواع آرایه‌های علم بیان را بکار برده است که بجهت رعایت اختصار بصورت آماری نشان داده‌ایم.

| صورت خیال | تشبیه | استعاره | کنایه | مجاز |
|-----------|-------|---------|-------|------|
| بسامد | ۱۴۶ | ۵۹ | ۲۳ | ۴۰ |
| درصد | ۷۳ | ۲۹.۵ | ۱۱.۵ | ۲۰ |

تشبیه: از آنجاکه در غزلیات قصاب، تشبیه کاربرد بیشتری دارد و بیشتر از عناصر دیگر خودنمایی میکند، بسامد تشبیه از دیدگاه حسی یا عقلی بودن و مفرد و مرکب بودن در ۲۰۰ غزل مورد توجه قرار گرفت. تشبیه از دیدگاه حسی یا عقلی بودن طرفین

| نوع تشبیه | حسی حسی | به عقلی به حسی | حسی به عقلی | عقلی به عقلی | مجموع |
|-----------|------------|-------------------|-------------|--------------|-------|
| بسامد | ۶۰ | ۲۷ | ۲۸ | ۷ | ۱۲۲ |
| درصد | ۴۹ | ۲۲ | ۲۳ | ۶ | ۱۰۰ |

در دیوان قصاب تشبیه حسی به حسی بیشترین و تشبیه عقلی به عقلی کمترین بسامد را دارد. تشبیه به اعتبار مفرد یا مرکب بودن طرفین:

| نوع تشبیه | مفرد به مفرد | مفرد به مرکب | مرکب به مفرد | مرکب به مرکب | مجموع |
|-----------|--------------|--------------|--------------|--------------|-------|
| بسامد | ۶۷ | ۲۵ | ۳۱ | ۲۳ | ۱۴۶ |
| درصد | ۴۶ | ۱۷ | ۲۱ | ۱۶ | ۱۰۰ |

از دیدگاه ذکر یا حذف ادات و وجه شبه، تشبیهات بلیغ و مرسل بیش از سایر تشبیهات در اشعار وی دیده میشود و تشبیه بلیغ نیز بیشتر در شکل اضافه تشبیهی نمود یافته است. در تشبیهات بلیغ تازگی و ابتکار خاصی دیده نمیشود و روح و فضای سنتی بر آنها استوار است. رخس همت (غ ۳، ب ۲)، بحر عشق (غ ۷، ب ۲)، تیر آه (غ ۱۳، ب ۵)، شمشیر جفا (غ ۲۹، ب ۴)، مصاف عشق (غ ۳۵، ب ۲)، تیغ غمزه (غ ۴۸، ب ۴)، لعل لب (غ ۵۳، ب ۴)، نهال عمر (غ ۷۵، ب ۹).

تشبیه از دیدگاه وجه شبه و ادات تشبیه

| نوع تشبیه | بلیغ | مجمل | مفصل | مرسل | مؤکد | مجموع |
|-----------|------|------|------|------|------|-------|
| بسامد | ۵۶ | ۷ | ۲ | ۳۲ | ۱۸ | ۱۱۵ |
| درصد | ۴۹ | ۶ | ۱.۵ | ۲۸ | ۱۵.۵ | ۱۰۰ |

دِریا زَنَد چو فاخته از بال موج پیر سرو قَدَت چو جلوه مستان کند در آب (اساس: ۲۶)

مژگان تو برگشته به هم چشمی و ابرو این کافر خونریز بود دشمن محراب (همان: ۲۵)

به دستار بنفشه مشت خاکی میشود در سر نگاهی کن که گلشن بی تو بر من گلخن است امشب (همان: ۲۶)

ابروش کمان است کمانش نتوان گفت قربان شوم آن را که کمان است کمان نیست (تا: ۳۶)

رخسار گل و لب گل و بالا گل و تن گل سرپا گل و با جملهٔ اعضا ش لطیف است
(اساس: ۳۷)
عشق در بحری مرا افکنده‌ای یاران که هست ناخدا دل، آب خون، لنگر نفس، کشتی حباب
(همان: ۲۵)

استعاره: انواع استعاره (مصرحه، مکنیه و اضافهٔ استعاری) در دیوان او بکار رفته است:

به یک نظاره چشمش میکند تسخیر عالم را رموز دلبری زان نرگس سحرآفرین بشنو
(همان: ۱۶۱)
بندد کمر بندگی قدّ تو شمشاد چون جلوه دهی در چمن آن سرو روان را
(همان: ۲۰)

مگردان از سرم کم سایهٔ بال قناعت را نجاتم را ز روی نعمت الوان شاهی ده
(مر: ۲۰۰)

با بررسی ۲۰۰ غزل ابتدایی مشخص شد استعارهٔ مکنیه از مصرحه بسامد بیشتری دارد؛ استعارهٔ مکنیه ۳۴ مورد و استعارهٔ مصرحه ۳ مورد است.

کنایه: کنایه‌های بکاررفته در ابیات از نوع کنایه از اسم، صفت و یا کنایه از فعلند و کنایه از موصوف دیده نمیشود. کیفیت ز چشمش دارد شراب داخل یا آنکه دختررز تنهاست در پیاله (اساس: ۱۶۷)

شد چارموجه کشتی‌ام از دست سعی تو ای ناخدای بزم به خدا میبرم پناه (نور: ۱۶۵)

باختی شرط محبت را ز یادت رفته‌ایم این جناغی بود کز روز ازل ما بسته‌ایم (مر: ۱۷۹)

مجاز: در این دیوان قصاب مجاز به علاقهٔ آلت، جزء و کل و ماکان دیده میشود.

از گفتگو ببند زبان در جهان که نیست قصاب سنگ تفرقه‌ای بدتر از لجاج
(اساس: ۵۴)

آرد یگانه گوهر مقصود را به کف خود را شناوری که به قربان کند در آب
(همان: ۲۶)

چون اشک میشد لاله‌گون کردم تعجب عاقبت در مسکن دل یافتم سرچشمهٔ خونایها
(همان: ۴)

قصاب در اشعارش از آرایه‌های اسلوب معادله، طرد و عکس، مبالغه، لف و نشر مرتب، و ارسال‌المثل هم بهره برده است.

اسلوب معادله:

مظلوم بعد مردن ظالم رسد به فیض ماری چو مرد روزی صد مور میشود
(همان: ۹۰)

طرد و عکس:

تن کارخانه‌ای است رگ و ریشه تاروپود تا دیده‌ای گسسته ز هم پود و تارها
(همان: ۲)

مبالغه:

ریختند اهل طمع از بس که در سند میتوان کردن شنا از آگره تا کابل در آب
آیرو
لف و نشر مرتب:

از رخ و لعل لب در باغ میگیرند لاله رنگ و غنچه بو هر دم ز رنگ و بوی تو
وام
(اساس: ۱۵۹)

ارسال‌المثل: ارسال‌المثل یکی از عناصر بلاغی در ادبیات فارسی است که از دیرباز تاکنون در شعر فارسی کاربرد داشته است و از عناصر مهم سبکی در سبک هندی بشمار می‌آید. محمدبن عمر رادویانی در تعریف ارسال‌المثل چنین گفته است: «یکی از جمعه بلاغت آن است که شاعر اندر بیت حکمتی گوید که آن به راه مثل بود» (ترجمان‌البلاغه: ص ۸۳).

آنچه بر خود نپسندی ز بدیها قصاب آن بدیها به کسی گر نپسندی مردی (همان: ۱۷۸)

سطح فکری

اگرچه دیوان قصاب کاشانی اغلب شامل مضامین غنایی است، شاعر در کنار آفرینش ابیاتی که متضمن عشق در سطح زمینی و آسمانی است به بیان مسائل مذهبی، عرفانی، تعلیمی، انتقادی، مدحی، تاریخی، دینی و ... نیز پرداخته است.

مضامین غنایی: یکی از ویژگیهای مهم دیوان قصاب کاشانی توصیف مطالب جزئی و حالات عاشق و معشوق است که با خلق تصاویری بسیار بدیع و با دقت نظری درخور ستایش، به آن پرداخته است. قصاب معتقد است کسی قادر نیست به سر عشق پی ببرد و اگر عشق خود را با سرودن ابیات عاشقانه علنی نمیکرد، متحمل رنج کمتری میشد:

زبان خامه‌ام مقراض قطع آشنایی شد نمیکردم الهی هرگز اظهار محبت را
(همان: ۱۵)

باینحال همچنان حاضر نیست جز با ترک جان از کوی عشق قدم بیرون بگذارد:

ز کویت کی کشم پا بایدم گر ترک سر گفتن نخواهم کرد قربان تو گردم ترک عادت را

او معتقد است هر دلی شایسته درد عشق نیست:

سینه بی درد دایم خالی است از درد دوست زانکه هر بیدرد اینجا مستحق درد نیست (اساس: ۳۴)

او از معشوق هیچ درخواستی ندارد و رسیدن به معشوق را کافی میداند:

چو به وصلش رسی ای دل طمع خام شدی ای صید تو پابسته فتراک بس است
مکن
(همان: ۳۵)

مضامین عرفانی: اگرچه کاربرد مضامین عرفانی در این اثر بفرآوانی کاربرد مضامین غنایی نیست، در مواردی دیده میشود که قصاب کاشانی به دو شیوه مستقیم و غیرمستقیم به بیان مفاهیم بلند عرفانی میپردازد. قصاب کاشانی بدون آنکه از اصطلاحات پیچیده عرفانی استفاده کند، با زبانی ساده به بیان موانع سیروسلوک و شیوه سلوک پرداخته است. بر همین اساس از زاهدان ریاکار نفور است:

نیستم زاهد که در مسجد زخم حرف مستم و در خانه خمار میگویم حدیث (اساس: ۵۳)
با
و حتی خرقة و سجاده را نیز مانعی بر سر راه سلوک میداند:
خرقه و سجاده بر من سدّ راه وحدت است کو جنونی کز لباس شید عریانم کند (همان: ۷۱)

مدح: ابیات مدحی قصاب کاشانی در این منظومه به موارد زیر اختصاص دارد:
مدح خداوند:

الهی بهر حمدت قوتی بخشا زبانم را ز آب این گهر لبریز کن درج دهانم را
(اساس):

مدح معصومین:

مدح امام حسین (ع):

غم مخور قصاب در محشر شفیع‌المدنیین میرسد آخر به فریادت بین احوال چیست
(اساس: ۴۹)

مضامین تعلیمی: قصاب کاشانی همچنین در اشعار خود، به آموزش جنبه‌های تعلیمی‌ای چون دوری از غفلت و ریا، دلیری نکردن با ضعیفان، تأثیر سخن، سخاوت، بیوفایی دنیا، عواقب کید و نیرنگ، اغتنام فرصت، مزیت تنهایی و دوری از خلق، نیکی در حق همسایگان، تأثیرات خطا و رنجاندن دیگران در زندگی افراد و وابستگی آنها، توکل به خدا، بهره‌جویی از دنیا، مضرّات حسد و کینه، شیوه‌های شماتت، نحوه‌ی معاشرت، توجه به فقرا، رازداری، نپرستیدن هر چیز فانی، ضرورت تقوی پیشه کردن، صبر در مصائب، دل نبستن به خوشیهای زودگذر، دوری از غرور، امانتداری، امید به زندگی پس از مرگ و ... پرداخته است. نمونه‌های شعری مضامین بالا به قرار زیر است:
نمیباشد دلیری با ضعیفان کینه ورزیدن جهاز عشق میدانند دانایان شجاعت را
(همان: ۱۷)

ه) مضامین علمی:

قصاب کاشانی در بسیاری از ابیات اصطلاحات مربوط به نرد و شطرنج (مهره باختن، در شش درافتادن، مات شدن، قرعه انداختن و ..)، علم نجوم (اسطرلاب، رمل، فال، سعد و نحس بودن ستارگان و ..) و علم موسیقی (چنگ، رود، بربط، تار، قانون و ...) را برای بیان هر چه بهتر منظور خود بکار گرفته است.

از حریف دهر هر کس چند وادی برد باخت هیچکس را نقش برد از تخته این نرد نیست
(تا: ۳۷)

و) مضامین تاریخی: اطلاعات جامع قصاب کاشانی موجب شده به مناسبت‌های مختلف از برخی شخصیت‌های علمی، اسطوره‌ای و افسانه‌ای، داستانها و باورهای کهن و تلمیحات و اشارات قرآنی نام ببرد. بر همین اساس مضامین تاریخی مورد استفاده در دیوان او براساس عناوین زیر دسته‌بندی شده‌اند:

اشاره به داستانها و باورهای کهن: قصاب کاشانی نیز مانند شاعران پیش از خود به برخی داستانها و باورهای کهن اشاره کرده است که از حیث شناخت عقاید و فرهنگ مردم در گذشته قابل تأمل است. از میان داستانهای اساطیری در این منظومه میتوان به داستان اسکندر و خضر و تلاش آنها برای دست یافتن به آب حیات، و داستان انوشیروان عادل اشاره کرد.

- زندهٔ اوید بودن تا که را باشد نصیب یافت خضر آن را که خواهان بود اسکندر در آب
(اساس: ۲۷)
- از میان باورهای کهنی که دیوان قصاب کاشانی به آن اشاره شده است، میتوان به موارد زیر اشاره کرد:
سایهٔ بال هما و خوشبختی:
کی کشم قصاب دیگر ممت بال هما سایهٔ شمشیر او تا جا به سر دارد مرا (همان: ۱۹)
- اسفند بر آتش ریختن برای دوری از چشم‌زخم:
خال چون بر رخ سوزان تو دیدم گفتم این سپندی است ز چشم حسدان میسوزد
(همان: ۷۵)
- جای داشتن جغد در ویرانه:
خانهٔ جغدم خرابی میکند تعمیر من بیشتر از مقدم سیل است آبادانیم (همان: ۱۸۳)
- تأثیر ماه بر کتان:
گسست چون رگم از ریشه یافتم امشب به تاروپود کتان کار میکند مهتاب (همان: ۲۷)
- اعتقاد به نیک‌اختری و بداختری:
من میدانم چه بد کردم که بخت بد مرا دور از این در چون دعای بی‌اثر دارد مرا (همان: ۲۸)
- خضر و راهنمایی گمشدگان بوسیلهٔ او:
شاید که خضر خط بنماید رهی به من گمگشته‌ام به راهنما میبرم پناه (همان: ۱۶۵)
- نام بردن از برخی شخصیت‌های برجستهٔ ادبی، علمی و اسطوره‌ای: از میان شخصیت‌های تاریخی در این اثر میتوان به این موارد زیر اشاره کرد: اسکندر، لیلی، مجنون، شیرین، فرهاد، خسرو، و قیصر.
هر نسیمی ز تو مجنون بیابانگردی است وز تو در دامن هر بادیه شیدایی هست
(اساس: ۲۸)
- قاتل فرهاد، شیرین بود از آن غافل مباش گر شود زان لعل شکر بار خندان بی‌غلط
(همان: ۱۱۵)
- به تاج قیصر و فغفور چین کی سر فرودآرم
چو شمعم در هوای سوختن زرین‌کلاهی ده (مر: ۲۰۰)
- و از میان شخصیت‌های ادبی از بزرگانی چون حافظ، فیض کاشانی، طالب آملی و صائب نام برده است:
همچو قصاب ز حافظ طلبیدم یاری تا که همدوشی آن شاخ نباتم دادند (اساس: ۶۸)
- پیش تو قصاب که گفته است فیض «حلقهٔ آن در شدنم آرزوست» (همان: ۴۴)

قصاب قول صائب دانا که گفته است «اینجا مقام دم زدن جبرئیل نیست» (همان: ۴۵)
قصاب آمده است ز کاشان به زیر خاک سنگی که نرخ گوهر آمل شکسته است (همان: ۴۶)

تلمیحات داستانی و اشارات قرآنی: در این منظومه علاوه بر حکایت داستان یوسف و زلیخا، به برخی حوادث زندگی پیامبران که در کتابهای آسمانی و یا کتب حدیث آمده، اشاره شده است.
فروخته شدن یوسف (ع) در مصر:

نه به کنعان میکنم او را برابر نه به مصر یوسف پرقیمت ما را بهایی دیگر است (همان: ۳۴)

احیای مردگان بوسیله حضرت عیسی (ع)
بود کوتاه از گریبان روان دست اجل چشم احیا هیچکس از عیسی مریم نداشت (همان: ۴۱)

مضامین دینی

توسل به اهل بیت:

تلاش بیش و کم قصاب کردن نیست کار تو مده تا میتوان از دست، دامان تو سل را (همان: ۱۶)

امید داشتن به بخشش الهی:

قصاب خسته دل به جناب تو کرده روی او را ببخش از سر دارالشفا شفا (همان: ۲۱)

اعتقاد به وجود دنیایی دیگر:

خوش حسابی چو مکافات در این عالم نشوی غافل از این روز که فردایی هست (همان: ۲۸)

نیست

گرامیداشت کربلا:

مردمک قصاب چون دارد ز درد سوز را دیده من خاک راه کربلا را کرده حفظ (همان: ۱۸۸)

اعتقاد به جبر و عدم اختیار: اعتقاد به جبر و رواج آن در شعر از اختصاصات سبکی این دوره است. شاعر این دوره بدنبال مسکنی است تا با آن آلام و رنجهای خود را تسکین داده و کاستیهای موجود را با تکیه به چنین اعتقاداتی جبران کند:

غیر از رضا به تیر قضا هیچ چاره نیست گشتم رضا به تیر قضا میبرم پناه (همان: ۱۶۵)

ناامیدی و یأس: این احساس یکی از مضامین پرتکرار در شعر شاعران این دوره است. این مضمون را حتی در شعر شاعران متمکن این عصر از جمله صائب میتوان دید. شاعر این دوره برای نخستین بار به تجربیات تازه‌ای دست مییابد که پیش از این سابقه نداشته‌اند و همین تازه‌گیهاست که گاهی او را ناامید و افسرده میکند. از این لحاظ شعر سبک هندی را باید مشابه آثار رمانتیکهای اروپا دانست:

قصاب از دو عالم کردیم قطع امید ما هم ز خود دو منزل بیرون نشسته باشیم

(مر: ۱۷۲)

نتیجه‌گیری

سعید قصاب کاشانی (۱۱۶۴هـ.ق)، متخلص به «قصاب»، از شاعران شیعه‌مذهب عهد صفوی است که با شاگردی در مظهر صائب تبریزی، دیوان اشعار خود را به سبک هندی سروده است. این اثر از حیث دربر داشتن غزلیات قوی و مسمطهایی که با تضمین از شاعران برجسته فارسی‌زبان سروده شده است، اثری قابل توجه است. زبان اشعار او ساده و روان است، لغات مهجور و ترکیبات عربی در دیوان او اندک است و تعبیرات و عبارات عامیانه زبان شعر او را به زبان مردم کوچه و بازار نزدیک کرده است. در میان اشعار او ابیاتی با عیوب قافیه، تکرار قافیه، تکرار مصراع و ابیات ذوقافیتین نیز بچشم میخورد.

قصاب در دیوان اشعار ۴۳۵ غزل دارد که از ۱۰ وزن بهره برده است و بیشترین بسامد اوزان غزلیات وی، ۱۶۱ مورد به بحر رمل متعلق است و کمترین آن مربوط به بحر سریع، متقارب و مقتضب است که فقط دو بار از آنها استفاده شده است. از کل غزلیات وی ۴۱۱ غزل دارای ردیف و ۲۴ غزل بدون ردیف می‌باشد. در ۲۰۰ غزل ابتدایی دیوان، آرایه تشبیه ۷۳ درصد، استعاره ۲۹.۵ درصد، کنایه ۱۱.۵ درصد و مجاز ۲۰ درصد وجود دارد. تشبیهات محسوس به محسوس و از نوع بلیغ و مفرد به مفرد بسامد بیشتری را نسبت به انواع دیگر تشبیه دارا هستند. استعارات اغلب از نوع استعاره مکنیه و اضافه استعاری است و بسامد استعاره مکنیه بیشتر از مصرحه است. مجازها از نوع جزء و کل و کنایات اغلب از نوع فعلی است. جناس، تلمیح، واج‌آرایی، استفهام انکاری، مراعات نظیر، طرد و عکس و لف و نشر از دیگر آرایه‌هایی است که در دیوان قصاب کاشانی مشاهده می‌شود. از نظر موضوع، مضامین غنایی و مذهبی در دیوان او بیشترین کاربرد را داشته است. کاربرد مضامین تاریخی، علمی، مدحی، عرفانی و تعلیمی در درجات دیگر قرار گرفته‌اند.

مشارکت نویسندگان

این مقاله از رساله دوره دکترای زبان و ادبیات فارسی مصوب در دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف آباد استخراج شده است. آقای دکتر مهرداد چترایی راهنمایی این رساله را بر عهده داشته و طراح اصلی این مقاله بوده‌اند. خانم الهام غلام کلیسانی به عنوان پژوهشگر این رساله در درگردآوری داده‌ها و تنظیم متن نهایی و رسیدن به نتیجه تحقیق نقش داشته‌اند. آقای دکتر مرتضی رشیدی نیز با کمک در تجزیه و تحلیل داده‌ها و نگارش مقاله، نقش مشاور این پژوهش را ایفا کردند. در نهایت تحلیل محتوای مقاله حاصل تلاش و مشارکت هر سه پژوهشگر بوده است.

تشکر و قدردانی

شایسته است از استادان محترم گروه ادبیات دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف آباد که در سالهای تحصیل از محضرشان بهره بردم و ماحصل دانش و اندیشه من، در نتیجه آموختن از آنهاست، قدردانی نمایم.

تعارض منافع

نویسندگان این مقاله گواهی مینمایند که این اثر در هیچ نشریه داخلی و خارجی به چاپ نرسیده و حاصل فعالیتهای پژوهشی تمامی نویسندگان است، و ایشان نسبت به انتشار آن آگاهی و رضایت دارند. این تحقیق طبق کلیه قوانین و مقررات اخلاقی اجرا شده و هیچ تخلف و تقلبی صورت نگرفته است. مسئولیت گزارش تعارض

احتمالی منافع و حامیان مالی پژوهش به عهده نویسنده مسئول است، و ایشان مسئولیت کلیه موارد ذکر شده را بر عهده میگیرند.

REFERENCE

- Behupali, Seyed Ali Hasan khan. (۱۹۱۶). Tazkere Sobh Gholshan, Diligently Mohammad Abdolmajid khan Mohtam, Hend: Feiz.
- Fotouhi, Mahmoud. (۲۰۱۲). Stylistics of Theories, Approaches and Methods, Tehran: Sokhan, p.۲۴۸.
- Ghassab Kashani, sa'eed. (۱۹۵۹). Divan, To correction and introduction Parto Beizaei, Tehran: Ibn Sina.
- Ghassab Kashani, sa'eed. (۱۹۸۳). Divan, Edited by GHolam hosein javaheri(vajdi), Tehran: Sanaei.
- Ghassab Kashani, sa'eed. (۱۹۸۴). Divan, Diligently Mohammad Abbasi, Tehran: Printing Services Institute.
- Ghassab Kashani, sa'eed. (۲۰۰۰). Divan, Diligently Ahmad Karami, Tehran: Ma.
- Hazin Lahiji, Mohammad Ali. (۱۹۵۵). Tazkere Hazin, second edition, Esfahan: Confirmation bookstore.
- Jalali, GHolamReza. (۲۰۰۸). Celebrities buried in the Razavi shrine, Volum ۲, Mashhad: Astan Qods Razavi, p.۵۳.
- KHosravi, Hosein. (۲۰۱۸). Recognize the characteristics of the Indian style, *Journal of Literary Criticism and Stylistics Research*, Successive ۳۱, pp.۷۵-۱۰۶.
- Mansouri, Mehrzad. (۲۰۰۷). Deceptive words in Eastern Persian, *Pazand Quarterly*, second year, No ۴, Pp. ۱۹-۳۲.
- Mayel Heravi, Najib. (۲۰۱۵). Date of manuscript and critical correction of manuscripts, Tehran: Sure Mehr, p.۴۳۴.
- Mokhlese Kashani, Mohammad. (۲۰۰۰). Divan, Diligently Hasan Atefi, Tehran: Sokhan, p.۳۷.
- Radviyani, Mohammad. (۱۹۸۳). Tarjoman al-abalaghe, Diligently Ahmad Atash, Tehran: Asatir, p.۸۳.
- Sadri, Mehdi. (۲۰۰۶). GHassab Kashani is a famous orator in Varavard region, *Journal of Heritage Reporting, Second period*, ۱(۴-۶), Pp. ۵۴-۵۵.
- Shafiee Kadkani, Mohammad Reza.(۱۹۸۷). Images of Imagination in Persian Poetry, Tehran: Aghah, p.۲۲۱.
- Shafiee Kadkani, Mohammad Reza. (۲۰۰۶). Music Poetry, Tehran: Agah, pp. ۱۳۸-۱۴۲.
- Shamisa, Sirus. (۲۰۰۳). Stylistics of poetry, Ninth Edition, Tehran: Ferdows, p.۲۹۹.
- Taleb Amoli, Mohammad. (۱۹۶۷). General poems, Diligently Shahab Taheri, Tehran: Sanaei, p.۴۴۷.

فهرست منابع فارسی

بازشناسی ویژگیهای سبک هندی، خسروی، حسین (۱۳۹۷)، مجله پژوهشهای نقد ادبی و سبک‌شناسی، پی‌درپی ۳۱، صص ۱۰۶-۷۵.

تاریخ نسخه‌پردازی و تصحیح انتقادی نسخه‌های خطی، مایل هروری، نجیب (۱۳۹۴)، تهران: سوره مهر.

- تذکره حزین، حزین لاهیجی، محمدعلی (۱۳۳۴)، چاپ دوم، اصفهان: کتابفروشی تأیید.
- تذکره صبح گلشن، بهوپالی، سیدعلی حسن‌خان (۱۲۹۵)، به اهتمام محمد عبدالمجیدخان مهتم، هند: فیض.
- ترجمان‌البلاغه، رادویانی، محمد (۱۳۶۲)، به کوشش احمد آتش، تهران: اساطیر.
- دیوان، قصاب کاشانی، سعید (۱۳۳۸)، به تصحیح و مقدمه پرتو بیضایی، تهران: ابن سینا.
- دیوان، قصاب کاشانی، سعید (۱۳۶۲)، تصحیح غلامحسین جواهری (وجدی) تهران: سنایی.
- دیوان، قصاب کاشانی، سعید (۱۳۶۳)، به اهتمام محمد عباسی، تهران: مؤسسه خدمات چاپ.
- دیوان، قصاب کاشانی، سعید (۱۳۷۹)، به اهتمام احمد کرمی، تهران: ما.
- دیوان، مخلص کاشانی، محمد (۱۳۷۹)، به اهتمام حسن عاطفی، تهران: میراث مکتوب.
- سبک‌شناسی نظریه‌ها، رویکردها و روشها، فتوحی، محمود (۱۳۹۰)، تهران: سخن.
- سبک‌شناسی شعر، شمیسا، سیروس (۱۳۸۲)، چاپ نهم، تهران: فردوس.
- صور خیال در شعر فارسی، شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۶۶)، تهران: آگاه.
- قصاب کاشانی سخنوری پرآوازه و نامدار در خطهٔ وراورد، صدری، مهدی (۱۳۸۵)، گزارش میراث، (۴-۶)، صص ۵۴-۵۵.
- کلیات اشعار، طالب آملی، محمد (۱۳۴۶)، به اهتمام شهاب طاهری، تهران: سنایی.
- مشاهیر مدفون در حرم رضوی، جلالی، غلامرضا (۱۳۸۷)، جلد دوم، مشهد: آستان قدس رضوی.
- موسیقی شعر، شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۸۵)، تهران: آگاه.
- واژه‌های فریبکار در فارسی خاورانی، منصوری، مهرزاد (۱۳۸۶)، فصلنامهٔ پازند، (۴) ۲، صص ۳۲-۱۹.

معرفی نویسندگان

الهام غلام کلیسانی: دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده علوم انسانی، واحد نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران.

(Email: Elham.gholamkelisani@yahoo.com)

مهرداد چترائی: استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده علوم انسانی، واحد نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران.

(Email: m_chatraei@yahoo.com : نویسنده مسئول)

مرتضی رشیدی: استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده علوم انسانی، واحد نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران.

(Email: Mortezarashidi51@gmail.com)

COPYRIGHTS

© 2021 The author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited. no permission is required from the authors or the publishers.

Introducing the authors

Elham Gholam Kelisani: PhD Student, Department of Persian Language and Literature, Faculty of Humanities, Najafabad Branch, Islamic Azad University, Najafabad, Iran.

(Email: Elham.gholamkelisani@yahoo.com)

Mehrdad Chatraei: Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Faculty of Humanities, Najafabad Branch, Islamic Azad University, Najafabad, Iran.

(Email: m_chatraei@yahoo.com : Responsible author)

Morteza Rashidi: Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Faculty of Humanities, Najafabad Branch, Islamic Azad University, Najafabad, Iran.